د) «إِنَّهُ مَنْ فَكَّرَ مِنَ النَّاسِ فِي مِثْلِ ذَلِكَ فَإِنَّهُ بِمَنْزِلَتِهِ»

روایت یازدهم، قبل از روایت «النَّاسِ لِلْمِيثَاقِ» است. همه اینها در تفسیر عیاشی است. روایت این است:

> «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَحَدِهِمَا (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ)، قَالَ: فِي إِبْرَاهِيمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِذْ رَأَى كَوْكَبًا، قَالَ: «إِنَّمَا كَانَ طَالِبًا لِرَبِّهِ، وَ لَمْ يَبْلُغْ كُفْرًا، وَ إِنَّهُ مَنْ فَكَّرَ مِنَ النَّاسِ فِي مِثْلِ ذَلِكَ فَإِنَّهُ بِمَنْزِلَتِهِ»[1].

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ»؛ آنجا از «الْعَلَاءُ بْنُ سَيَابَةَ» و «مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ» بود، یکی جور جواب دادند. اینجا محمد بن مسلم است. **«قَالَ: إِنَّمَا كَانَ طَالِبًا لِرَبِّهِ، وَ لَمْ يَبْلُغْ كُفْرًا»**؛ حضرت ابراهیم، طالب ربّ خودشان بودند و به کفر نرسیدند. **«وَ إِنَّهُ مَنْ فَكَّرَ مِنَ النَّاسِ فِي مِثْلِ ذَلِكَ فَإِنَّهُ بِمَنْزِلَتِهِ»**. خب، این روایت را چه کار کنیم؟ این دیگر طلب اثبات است؟! اینجا امام علیه‌السلام بیان دیگری را به محمد بن مسلم می‌فرمایند.

این روایت، کلید پس از اولین کلید است. یعنی مردم یک فطرتی دارند، به‌دنبال آن هستند. اگر راه را درست بروند به آن می‌رسند و اگر درست نروند، گمراه می‌شوند. اگر درست بروند، رفتن می‌خواهند؛ یعنی باید سیر کند و همه چیزها را ببیند؛ باید آزمون و خطا کند. کسی که دارد آزمون وخطا می‌کند، کافر شده است؟! آزمون و خطا که کفر نیست. این روایت، تا اینجا، خیلی خوب شد. حال سراغ آیه قرآن بیاییم. **«إِنَّهُ مَنْ فَكَّرَ مِنَ النَّاسِ فِي مِثْلِ ذَلِكَ فَإِنَّهُ بِمَنْزِلَتِهِ»**؛ کسی که ملکوت به او ارائه می‌شود، الآن یک فیلسوف یا حکیمی یا هر کسی، دارد تفکر می‌کند تا به فطرت الهی‌ای که خداوند به او داده بود، برسد؛ سیر الی اللّه تعالی بکند؛ «فطرهم علی التوحید». **«وَكَذَٰلِكَ نُرِيٓ إِبۡرَٰهِيمَ مَلَكُوتَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ»**؛ کسی که فکر می‌کند، طبق این روایت به‌منزل حضرت می‌شود، برای او ارائه ملکوت می‌شود یا خیر؟

چیزی که به ذهن بنده می‌آید، این است: بله؛ هر کسی که در حال فکر و سلوک است تا به آن فطرت اصلی خود برسد، قطعاً ملکوت دارد به او ارائه می‌شود. قطعاً وقتی به یقین می‌رسد، آن یقین برای او نور ملکوتی است و به اندازه خودش، سیر کرده است. اما به نکته‌ی اولی که عرض کردم، برگردیم؛ آیه شریفه که حال مردم را نمی‌گوید. آیه شریفه دارد سیر پیامبر اولوا العزم را می‌گوید. خب، اگر اینطور است، حال باید تمام واژه‌هایی که در این آیات به کار رفته را ببینیم در لغت انبیاء علیهم‌السلام به چه معنا است. چون اصل معنای آیه شریفه، سر و کارش با یک پیامبر اولوا العزم است. آیه دارد ارائه ملکوت به او را می‌گوید که همه پرده‌ها از چشمش کنار رفته

است. اینجا نمی‌توان به‌سادگی از واژه‌ها در شد؛ بگوییم «لیل» یعنی «لیل»، «کوکب» هم یعنی «کوکب». لذا من محتملاتی را عرض می‌کنم تا ببینید چور در می‌آید ای خیر.

---

[1]. همان، ص ۴۴۰.

بازبینی #2
ایجاد شده 11 دسامبر 2024 16:09:46 توسط ... .
به روزرسانی شده 12 دسامبر 2024 17:20:24 توسط ... .